کشف ۱۵۰۰ کیلوگرم گوشت فاسد از یک مادر و پسر

جانشین رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ از کشف ۱۵۰۰ کیلوگرم گوشت فاسد از پارکینگ یک منزل مسکونی در تهران خبر داد.

به گزارش تسنیم، سرهنگ جلیل موقوفه‌ای با اعلام این خبر اظهار کرد: ماموران کلانتری ۱۱۱ هفت چنار طی اقدامات اطلاعاتی و تحقیقات میدانی موفق به کشف یک‌ونیم تن گوشت فاسد از پارکینگ یک منزل مسکونی واقع در خیابان شهید سبحانی شدند. این مقادیر گوشت فاسد شامل قلوه و زبان گوسفند است که توسط یک مادر و پسر در مراکز غذاخوری و ساندویچ‌فروشی‌های سیار توزیع می‌شد. با بازداشت این مادر و پسر از فروش این مقدار گوشت فاسد جلوگیری شد و تحقیقات از متهمان درباره اتهامشان ادامه دارد.

وی در پایان از رستوران ها خواست از خرید گوشت خارج از شبکه توزیع رسمی خودداری کنند و در صورت مشاهده موارد مشکوک موضوع را سریع به پلیس اطلاع دهند و در برابر سلامت هموطنان مسوول باشند.





فاطمه در کنار مادر و برادرش در راه بازگشت به خانه

گفت‌وگو با دختر گمشده افغانستانی که با پیگیری جام جم و تیزهوشی کارمند بهزیستی به خانه بازگشت

روزهای دور از خانه

محمد غمخوار
حوادث

علاقه دختر هشت ساله افغان به مترو سواری، ۱۵ روز دلهره و اضطراب را نه‌تنها برای خانواده‌اش، بلکه هزاران ایرانی رقم زد. در حالی که همه در انتظار خبری خوش از پیدا شدن فاطمه بودند او در بهزیستی کرج با دوستانش مشغول بازی بود و انتظار می‌کشید تا دوباره به خانه برگردد و به ایستگاه مترو برود.

به گزارش خبرنگار جام جم، ظهر جمعه ۱۳ اردیبهشت امسال فاطمه در حال بازی در حیاط خانه‌شان در خیابان مرتضوی تهران بود که ناپدید شد. مادر وقتی به حیاط آمد با در باز خانه روبه‌رو شد. سراسیمه به خیابان آمد و چند بار فاطمه را صدا زد، اما از دخترک خبری نبود. خودش را به تلفن رساند و سریع با شوهرش تماس گرفت و گم شدن دخترشان را خبر داد. پدر خود را به خانه رساند. اولین جایی که به ذهنش رسید ایستگاه متروی محله بود. فاطمه یك بار دیگر هم گمشده بود و ماموران مترو او را پیدا کرده بودند. دختر هشت ساله عاشق مترو بود و سوار قطار مترو شدن، بهترین تفریحش بود.

این بار در مترو خبری از او نبود. پدر به کلانتری محل رفت و شکایتی را مطرح کرد. عبدا... شریفی می‌گوید: «به پارك، مترو و بیمارستان‌ها سر زدم، اما هیچ اثری از دخترم نبود. به اداره آگاهی هم رفتم، اما هر بار نامه‌ای می‌دادند و من به سازمان‌های مختلف مثل بهزیستی می‌بردم. هر روز ناامیدتر از روز قبل بودم. بعد از یك هفته خبر ناپدید شدن دخترم در روزنامه جام‌جم چاپ شد و آگهی‌های او در فضای مجازی پخش شد. حتی شنیدم چند بازیگر معروف هم عکس دخترم را منتشر کردند و از مردم برای یافتن او کمك خواستند.»

پدر و مادر فاطمه شماره‌های خود را پایین آگهی‌ها اعلام کردند و هربار تلفن زنگ می‌خورد، منتظر خبری از دخترشان بودند، اما در این بین بعضی‌ها اطلاعات دروغ می‌گفتند و بعضی می‌خواستند به پدر و مادر نگران امیدواری بدهند. مادر فاطمه می‌گوید: هر بار تلفن زنگ می‌خورد با خودم می‌گفتم دخترم پیدا شده است. مردم در این مدت کنارما بودند و کمك می‌کردند تا دخترم پیدا شود. در این ۱۵ روز خواب و خوراك نداشتیم و امیدمان به خدا بود تا فاطمه دوباره به خانه برگردد.

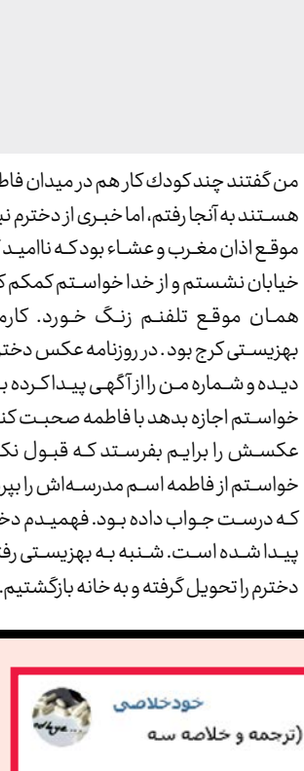
عصر پنجشنبه به پدر فاطمه خبر دادند، دخترش را در حال آب بازی در حوض پارك دانشجو دیده‌اند. پدر سریع خود را به خیابان رساند و دربستی گرفت تا زودتر به دخترش برسد، اما وقتی به آنجا رسید از فاطمه خبری نبود. عبدا... درباره ماجرای پیدا شدن دخترش می‌گوید: چند کودك افغان در پارك بازی می‌کردند اما فاطمه در میانشان نبود. به من گفتند چند کودك کار هم در میدان فاطمی هستند به آنجا رفتم، اما خبری از دخترم نبود. موقع اذان مغرب و عشاء بود که ناامید کنار خیابان نشستم و از خدا خواستم کمکم کند. همان موقع تلفنم زنگ خورد. کارمند بهزیستی کرج بود. در روزنامه عکس دخترم را دیده و شماره من را از آگهی پیدا کرده بود. خواستم اجازه بدهد با فاطمه صحبت کنم یا عکسش را برایم بفرستد که قبول نکرد. خواستم از فاطمه اسم مدرسه‌اش را بپرسد که درست جواب داده بود. فهمیدم دخترم پیدا شده است. شنبه به بهزیستی رفته و دخترم را تحویل گرفته و به خانه بازگشتیم.»

مکث

مترو خیلی چرخ داره

فاطمه پس از ۱۵ روز به خانه بازگشت، اما دلش پیش متروست و دوست دارد دوباره سوار مترو شود.

شیرین زبان است و ابتدای صحبتش عذرخواهی می‌کند که همه را نگران کرده است. خاطره تلخ ۱۵ روز دوری از خانه را می‌تواند فراموش کند، اما خاطره شیرین متروسواری را نه.



فاطمه کجا رفته بودی؟

کرج.

چطور رفتی؟

با مترو.

چرا با مترو؟

مترو خیلی خوبه. دوستش دارم. خاطره خوبی دارم که نمی‌تونم فراموشش کنم.

چه خاطره‌ای؟

سوار شدن به مترو.

چرا دوستش داری؟

خیلی چرخ داره.

وقتی به کرج رسیدی چه کار کردی؟

گم شدم و پلیس پیدام کرد و برد بهزیستی.

دلت برای پدر و مادرت تنگ شده بود؟

خیلی، اما تو بهزیستی دو تا دوست پیدا کردم. یه دونه نازنین زهرا، یه دونه هم فاطمه.

دیگه مترو نمی‌ری؟

میرم.

اگه بازگم بشی چه کار می‌کنی؟

نمی‌دونم.

پدر فاطمه:
من کارگر هستم و نمی‌توانم هر روز فرزندانم را به پارک ببرم همین باعث شده مترو بهترین تفریح دخترم شود

پسر جوان در کانالش، خودکشی با سیانور را آموزش می‌داد

اُتانازی با پودر مرگ

پسر جوان پس از خودکشی ناموفق تصمیم گرفت با راه‌اندازی کانالی ترویج‌کننده خودکشی باشد. متهم با شناسایی افرادی که قصد خودکشی داشتند، برایشان پکیج‌های آموزش خودکشی و پودر سیانور ارسال می‌کرد. بررسی‌های اولیه پلیس نشان می‌دهد ۲۵ نفر از متهم خرید کرده‌اند.

به گزارش خبرنگار جام جم، راز اقدامات مجرمانه پسر جوان همزمان با شکایت یکی از قربانیانش فاش شد. ۱۸ اردیبهشت امسال ماموران پلیس آگاهی در جریان مرگ مشکوك پسر ۳۰ ساله‌ای در خانه‌اش در منطقه سعادت‌آباد قرار گرفتند. خانواده پسر جوان پس از ورود به خانه با پیکر پسرشان روبه‌رو شده و موضوع را به پلیس اطلاع داده بودند. تیم پلیسی پس از حضور در خانه پسر جوان متوجه شدند او با خوردن سم سیانور خودکشی کرده است. میلاد قبل از خودکشی در دست نوشته‌ای هشدار داده بود چه جاهایی از خانه آلوده به سم سیانور است.

کارآگاهان تحقیقات برای شناسایی انگیزه پسر جوان از خودکشی با سیانور را آغاز کرده و متوجه شدند، پدر و مادر میلاد چندی قبل از هم جدا شده و پسر جوان به تنهایی در آن خانه زندگی و پدرش هزینه زندگی او را تامین می‌کرد. چند وقتی بود که پسر جوان گوشه‌گیر شده و در این مدت مدام وقتش را در تلگرام می‌گذراند. با بررسی گوشی تلفن همراه پسر جوان مشخص شد، میلاد مدتی قبل عضو یك کانال تلگرامی به نام خودخلاصی شده بود که در آنجا خودکشی ترویج می‌شد. مدیر کانال همچنین برای افرادی که قصد خودکشی داشتند، پودر سیانور ارسال می‌کرد.

با افشای این موضوع، تحقیقات برای شناسایی مدیر کانال به نام حمید ۳۱ ساله آغاز شد و خیلی زود ماموران او را در اسلامشهر شناسایی کردند. سرانجام عصر روز پنجشنبه متهم در قراری صوری از سوی ماموران دستگیر شد. در بازرسی اتاق حمید، قوطی‌های حاوی سم سیانور، قرص‌های آرامبخش و خواب‌آور و کتاب‌های روان درمانی کشف شد. پسر ۳۱ ساله در همان تحقیقات مقدماتی به فروش پودر سیانور و قرص به افراد مختلف اعتراف کرد.

حمید پس از انتقال به پلیس آگاهی در اعترافاتش گفت: سال گذشته از طریق فضای مجازی با شخصی به نام بهنام آشنا شدم که مدیر یك کانال تلگرامی بود که اعضای آن «خودکشی‌گرا» بودند. تحت تاثیر حرف‌های بهنام تصمیم به خودکشی گرفتم و یك بار پس از تهیه دارو اقدام به خودکشی کردم که شش روز در کما بودم اما با تلاش پزشکان به زندگی بازگشتم. پس از مرخص شدن از بیمارستان کانالی به نام «خودخلاصی» را راه‌اندازی کردم و در آن نحوه خودکشی با سیانور را آموزش می‌دادم. اعضای کانال اگر پودر سیانور برای خودکشی می‌خواستند، بسته‌ها را با دریافت یك میلیون تومان برایشان ارسال می‌کردم.



در ادامه تحقیقات مالی با بررسی کانال و تماس‌های متهم مشخص شد او بسته‌های آموزشی و پودرهای سیانور را برای ۲۵ نفر در مناطق مختلف تهران از جمله زعفرانیه، قلهك و سعادت‌آباد و همچنین شهرهای مختلف کشور ارسال کرده است.

سردار علیرضا لطفی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ، با هشدار جدی به خانواده‌ها برای نظارت بیشتر بر فعالیت فرزندانشان در فضای مجازی به جام جم گفت: مشخصات افرادی که از متهم سیانور خریده‌اند شناسایی و تحقیقات پلیسی برای بررسی وضعیت آنها آغاز شده است.

متهم در کانال تلگرامی‌اش روش‌های خودکشی را آموزش می‌داد و پودر سیانور می‌فروخت

196
خودخلاصی
یکیج شماره یک روش های خودخلاصی (ترجمه و خلاصه سه کتاب معتبر)
برای تهیه با ادمین کانال تماس بگیرید

دیگر نمی‌خواهم خودکشی کنم!

حمید پسر ۳۰ ساله‌ای که کانال تلگرامی خودخلاصی را برای ترویج خودکشی افراد راه‌اندازی کرده و باعث مرگ جوانی شده بود، دیروز برای ادامه تحقیقات به شعبه دهم بازپرسی دادسرای جنایی تهران منتقل شد و به جرایمش اعتراف کرد و روانه بازداشتگاه پلیس شد. متهم در حاشیه جلسه بازپرسی در گفت‌وگویی با جام جم به تشریح فعالیت مجرمانه‌اش پرداخت.

تحصیلاتت چیست؟

فوق دیپلم حسابداری دارم.

کار هم می‌کنی؟

حسابدار پاره‌وقت چند شرکت خصوصی‌ام.

کتاب می‌خوانی؟

از بچگی عاشق کتاب بودم. از نوجوانی کتاب‌های فلسفه می‌خواندم، ذهنم پر از افکار منفی شده و به مرگ و نیستی فکر می‌کردم. یك سال پیش در کانال تلگرامی پسری عضو شدم. او مثل من از زندگی و دنیا سیر بود و کتاب‌های انگلیسی به من معرفی کرد و چون زبانم خوب است آن را خواندم که پر از ناامیدی بود.

خودکشی هم کردی؟

در نوجوانی دوستم مرا تحقیر کرد و به خاطر این تحقیر قرص خورده و خودکشی کردم، اما زنده ماندم. یك بار هم خودکشی با قرص داشتم که شش روز در کما بودم. بعد از فوت پدرم نیز چند بار خودکشی ناموفق داشتم.

چرا کانال خودخلاصی را راه‌اندازی کردی؟

یکی از کتاب‌هایی که خواندم «قرص آرامبخش» بود. در آن شیوه خودکشی و ابزار آن را آموزش داده بود. کانال را راه انداختم تا افراد مثل من زودتر سمت مرگ بروند و خلاص شوند. علاوه بر آموزش خودکشی و راه‌های آن، ابزار آن مثل قرص‌های مختلف و سیانور را می‌خریدم به آنها می‌فروختم.

بعد از راه‌اندازی کانالت خودکشی کردی؟

می‌خواستم به سوئد بروم و با رفتن به مرکزی در آنجا، آنها مرا سمت مرگ ببرند که پولم کم بود. کانال را راه انداختم تا بخشی از پول مرگ خودم را از این طریق جمع کنم. قرص و سیانورها را به متقاضیان مرگ می‌فروختم، اما فکر نمی‌کردم یکی از آنها فوت کند.

تا به حال پیش روانپزشك نرفته‌ای؟

چند بار رفتم، اما گفتند خوردن قرص برایم تاثیر ندارد و باید افکار منفی‌ام را دور ریخته و مثبت کنم تا حالم خوب شود.

چطور بازداشت شدی؟

فردی سفارش قرص برای خودکشی داد که برای تحویل آن رفتم که به جای خریدار پلیس آمد و بازداشت شدم.

دوباره قصد مرگ داری؟

با دیدن مادرم و گریه‌های او دیگر نمی‌خواهم بمیرم.

حرف آخر؟

اگر افکار منفی را از ذهنم دور می‌کردم و به خواندن کتاب‌های امیددهنده و شادی‌بخش رو می‌آوردم، سمت مرگ نمی‌رفتم.

تلنگر

ربودن تیام برای گدایی

زن معتاد که پسر چهارساله‌ای را در شرق تهران ربوده است در حالی بازداشت شده که مدعی است کودك را هنگام تکدی‌گری گم کرده است.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، چهارشنبه هفته گذشته مردی با حضور در دادسرای جنایی تهران از ربوده شدن پسر چهار ساله‌شان خبر داد و گفت: دو پسر چهار و هشت ساله‌ام در مقابل خانه پدرزنم در حال بازی بودند که زنی به آنها مراجعه کرده و می‌گوید مادرشان با آنها کار دارد. پسر بزرگم به خانه می‌رود و وقتی بازمی‌گردد متوجه ناپدید شدن پسر چهارساله‌ام و آن زن می‌شود.

با شکایت این خانواده تحقیقات آغاز شد تا این‌که ماموران متوجه شدند محل حادثه مجهز به دوربین مداربسته است. ماموران زمانی که فیلم دوربین را بازبینی کردند، معلوم شد زن معتادی کودك را ربوده است و او را با قراردادن در کارتن بزرگی از محل دور کرده است.

پلیس در جست‌وجوی زن کودك‌ربا بود تا این‌که شامگاه شنبه بیست و هشتم اردیبهشت امسال خانواده کودك ربوده شده با پلیس تماس گرفتند و خبر دادند که زن معتاد را داخل پارك گلشن دیده‌اند. ماموران با اطلاعات به دست آمده برای دستگیری متهم به محل اعزام شدند و او بازداشت شد. متهم زن ۳۷ ساله معتاد در جریان تحقیقات گفت: پسر خردسال را ربودم و برای گدایی به چهارراه تیرانداز بردم اما آن پسر هنگام تکدی‌گری در شلوغی جمعیت گم شد.



مادر تیام دیروز به جام جم گفت: از چهارشنبه هفته گذشته که تیام توسط زن معتادی ربوده شد، جست‌وجوهایمان را شروع کردیم. عکس‌هایش را چاپ کرده و در میان مردم پخش کردیم و حتی به در و دیوار شهر نصب کردیم و از همه برای یافتن او کمك خواستیم. افرادی با ما تماس می‌گرفتند و می‌گفتند که پسرم را مشغول فروش گل دیدند، برخی می‌گفتند او را در پارك و محله‌های دیگر دیده‌اند که همه نشانی‌ها درست نبود و ردی از او به دست نیامد. به طور اتفاقی زن کودك‌ربا را در بوستان دیدیم و به پلیس خبرداده و او بازداشت شد. زن کودك‌ربا می‌گوید که پسرم را موقع تکدی‌گری گم کرده اما نمی‌دانم حرفش چقدر واقعیت دارد. نگران پسرم هستیم و امیدواریم او پیدا شود و چشم‌انتظاری‌مان پایان یابد.

قتل صاحب نانوایی با شلیك موتورسوار مسلح

پلیس پایتخت در جست‌وجوی موتورسواری است که با شلیك گلوله مرد نانوایی را در محله خزانه به قتل رساند و متواری شد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، ساعت ۹ و ۴۵ دقیقه ۲۸ اردیبهشت امسال یکی از ماموران کلانتری خزانه در تماس با مرادی، بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی تهران او را در جریان قتل صاحب یك نانوایی در فلکه دوم خزانه پایتخت قرار داد. با حضور تیم جنایی مشخص شد، صاحب مغازه که مرد ۴۵ ساله‌ای است، به قتل رسیده و داخل مغازه افتاده است. در جریان بررسی‌ها مشخص شد صاحب مغازه نانوایی براثر اصابت گلوله‌های ساچمه‌زنی از ناحیه کتف و گردن فوت شده است.

ماموران برای یافتن قاتل ابتدا به بازبینی دوربین‌های مداربسته مغازه و اطراف آنجا پرداختند و تصاویری به دست آوردند که نشان می‌داد عامل جنایت مرد موتورسواری بوده که کلاه کاسکت به سر داشته و با نزدیك شدن به مغازه و دیدن صاحب نانوایی، سلاح را سمت او گرفته و بعد از دو شلیك به سوی او به سرعت متواری شده است.

مجازات ترویج خودکشی

رحیم دشتبان، بازپرس شعبه دهم بازپرسی دادسرای جنایی تهران پس از تحقیق از متهم با هشدار به خانواده گفت: نظارت بیشتری روی فرزندان خود درخصوص استفاده از کتاب‌ها به‌ویژه کتاب‌های خارجی داشته باشید و حضور فرزندان را در فضای مجازی به‌خصوص کانال‌های تلگرامی رصد کنید تا عضو کانال‌هایی که خشونت و مرگ را ترویج می‌دهند، نشوند. براساس ماده ۷۴۳ قانون مجازات اسلامی هرکس از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده افراد را تحریك و ترغیب به خودکشی کند، مجرم تلقی شده و مجازات حبس در انتظار اوست.